**دیپلماسی تله-گذار و الگوی چینی قدرت**

دکتر محمود مسائلی

**دیپلماسی تله-گذار و الگوی چینی قدرت**

نهم ماه می سال ٢٠٢١

دکتر محمود مسائلی

بنیانگذار و دبیرکل اندیشکده بین المللی نظریه های بدیل و معضلات جهانی

بنیانگذار و مدیر مرکز مطالعات عالی حقوق بشر و توسعه دمکراتیک

باز نشر از سایت آگورا ایران آکادمیا

https://agora.iranacademia.com/essays/#masaeli-essays-page

پرسش: آیا مفهوم قدرت می تواند منابعی پنهان داشته باشد، و اگر چنین است، الگوهای این نوع قدرت کدامین هستند و ساز و کارهای اجرایی آن چگونه عمل می کنند؟

انتشار فایل صوتی محمد جواد ظریف و برخورد رهبری جمهوری اسلامی ایران با آن هنوز بازتاب های پر سروصدای خود را در رسانه ها جمعی حفظ کرده است. نکته اصلی و جان کلام در این موضوعات داغ سیاسی و رسانه ای مرتبط با تقابل میان دو نظریه سیاسی در باره موضوع "میدان" که مفهوم "قدرت سخت"[[1]](#footnote-1) را نمایندگی می کند، و مبحث "دیپلماسی" که به مفهوم "قدرت نرم"[[2]](#footnote-2) تعلق خاطر دارد، می باشد. ناظران سیاسی اغلب از دریچه خاص خود موضوع را مورد تجزیه و تحلیلی قرار داده اند. همچنین اغلب در تحلیل های سیاسی دیده می شود که تقریبا همه به درستی بر غلبه سیاست میدان بر دیپلماسی اتفاق نظر دارند. علاوه براین، در این تحلیل ها نوک پیکان متوجه رهبری نظام سیاسی حاکم بر ایران و اراده غیرقابل تغییر او بر ضرورت متابعت دیپلماسی از سیاست میدان، شده است. در مقاله که هفته پیش در این باره انتشار دادم، توضیح دادم که این دو موضع آیینی (ایدئولوژیک) و سیاسی از یکدیگر جدایی پذیر نیستند چرا که نظام حاکم از ابتدا این مواضع را به عنوان مفاهیم "قدرت سخت" و "قدرت نرم"، به شکلی تفکیک ناپذیر و تکمیل کننده خود برگزیده بود، هر چند که به ظاهر سیاست میدان (یعنی قدرت سخت) بر دیپلماسی (یعنی قدرت نرم) احاطه داشته است. این ترکیب نامبارک دو نوع سیاست با ظاهر متفاوت به دلیل وابسته بودن به آیین گرایی جزمی نه تنها مشکلات پیچیده ای بر حیات ایرانیان و نیز کل منطقه داشته، اغلب دامنه نفوذ خود را نیز بر سراسر جهان تا درجاتی گسترش داده است. حداقل از دهه سوم حیات نظام حاکم بر ایران، آن ترکیب متقابل حمایت کننده قدرت سخت و قدرت نرم، سمت و سویی آشکار به سوی الگویی نوین از مفهوم قدرت که به "قدرت بران و یا تیز"[[3]](#footnote-3) اشتهار دارد در پیش گرفته است. ماحصل طبیعی این ترکیب سه بعدی "قدرت سخت"، قدرت نرم"، و "قدرت تیز"، به عبارت روشنتر "سیاست میدان"، "دیپلماسی"، و "روسی -چینی گرایی" گردابی است که نظام حاکم خود را در مرکز آن قرار داده و قادر به فهم، یا تمایل به درک، ابعاد ویرانگر آن نیست. نتیجه این می باشد که منابع ملی کشور، شامل منابع طبیعی و نیز انسانی، به تحلیل و یا تاراج رفته، خسارتهای بسیار عمیقی بر کشور و مردم وارد شده، و کل منطقه به حیطه رقابتهای بی منطق بی ثباتی و ویرانگری کشیده شده است. نظام تمامیت خواه با اصرار بر بنیادهای جزمی و آیینی خویش زیر عنوان تشیع سیاسی و صدور انقلاب اسلامی، و نیز دشمن تراشی با کشورهای منطقه و جهان، سود اصلی یعنی تاراج مملکت را به جیب زده است.

هدف اصلی این نوشتار کوتاه این است که ماهیت و سازوکارهای اجرایی مفهوم "قدرت تیز" و پیوندهای آن با الگوی چینی را مورد بررسی قرار داده، و سپس توضیح دهد که نظام حاکم بر ایران به بن بستی خود-ساخته کشیده شده است که راه عبوری از آن وجود ندارد. سپس توضیح داده خواهد شد که بهترین نگرش به قدرت در مفهوم "قدرت هوشمندانه"[[4]](#footnote-4) قرار دارد که با ارزش های آزادی خواهی و دمکراسی در پیوند است. اما نظام حاکم بر ایران به دلیل ماهیت تمامیت خواهی جزم گرایانه خود، ذاتاً نمی تواند از مزایای این نوع از قدرت بهره جوید. و نیز به دلیل همان ماهیت جزمی و تمامیت خواه، به نظر نگارنده، انجام هر نوع اصلاحاتی در نظام حاکم امکان پذیر نیست.

**مفهوم قدرت تیز یا بران**

اگر مفهوم استفاده هوشمندانه از قدرت نرم را از نقطه نظر اهدافی که دنبال می کند در نظر بگیریم، این مفهوم از دیر باز در اندیشه سیاسی و تعاملات میان کشورها حضور داشته است. به عنوان مثال، افلاطون در کتاب جمهور استفاده هوشمندانه از قدرت را خصیصه متفکرانی می داند که می توانند به واسطه توانایی های خردمندانه خود جامعه را در جهت شکل ایده آل آن هدایت کنند. ایرانیان، و همه علاقه مندان به مفهوم انسانیت، نیز ممکن است رفتار کورش کبیر با یهودیان و پیروان دیگر ادیان در هنگامه تسخیر بابل را نشانه ای از فهم خردمندانه او از مفهوم قدرت نرم برای جذب افکار و قلوب مردمان تفسیر نمایند. در نقطه مقابل این نگرش به مفهوم قدرت که بر جذابیت های انسانی چهره خود را ترسیم می کند، قدرت نرم یا حیله گری برای نفوذ بر دیگران و ایجاد سلطه نیز همواره در تاریخ حضور داشته است. ماجرای اسب تروا توسط یونانی ها در نبرد علیه تروجان نیز حکایت آشکاری از زیرکی به عنوان منبع قدرت پنهان قدرت به حساب می آید. با آغاز عصر مدرن، مفهوم زیرکانه استفاده از قدرت توسط ماکیاولی ارجاع روشنتری برای توضیح قدرت هوشمندانه و رابطه آن با سیاست قدرت را فراهم می سازد. این نصیحت مشهور به شاهزاده که برای رسیدن به هدف کاربرد هر وسیله های مجاز است، و بنابراین شاهزاده باید هم خصیصه خشن و سبعیت شیر را در خود بپروراند، و هم زیرکی روباه را دنبال کند، از نمونه های روشنتر توضیح قدرت هوشمندانه برای مدیریت جامعه می باشد.[[5]](#footnote-5) توماس هابس در ترسیم چهره رآلیزم سیاسی قدرت هوشمندانه را در ترکیب دستیابی به قدرت سخت و اشتهار داشتن به عنوان قدرتی پنهان ولی پیشگیرنده از خطر حمله توسط متجاوزان جستجو می کند. این نشانه های کوتاه تاریخی نشان می دهد که هوشمندی در استفاده از قدرت هم در مواضع منفی قدرت طلبان و هم آرمان های انسان دوستانه تبلور داشته است. عدم امکان تعریف حایلی میان سیاست قدرت نرم برای ایجاد جذابیت برای دیگران، و قدرت نرم به عنوان حیله گری برای بی ثبات سازی شرایط زندگی حریف، زمینه های تعریف نوع متفاوتی از قدرت نرم را به وجود آورده است که به قدرت تیز اشتهار یافته است.

قدرت تیز به استفاده از سیاست های پنهان و یا روش های دیپلماتیک دستکاری شده ای اطلاق می شود که توسط یک کشور برای تاثیرگذاری و تضعیف سیستم سیاسی کشوری دیگر انجام می پذیرد.

کریستوفر واکر، معاون مطالعات و تحقیقات بنیاد ملی دمکراسی در مقاله ای با عنوان "قدرت تیز چیست"؟ که در نشریه دمکراسی در سال ٢٠١۸ به چاپ رسید[[6]](#footnote-6)، این مفهوم از قدرت و کارکرد آنرا به ادبیات سیاسی و روابط بین الملل معرفی کرده است. قدرت تیز به طرح ها و عملیاتی اطلاق می شود که توسط نظام های سیاسی اقتدارگرا مانند روسیه و چین، و با مقیاس ضعیف تری توسط عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران، برای رو به تحلیل بردن نهادهای مستقل جوامع دمکراتیک بکار گرفته می شود.

این عملیات شامل

- سانسور و یا محدود کردن اطلاعات آزاد، و یا توسعه اطلاعات مخدوش برای ایجاد گمراهی در افکار و باورهای مردم، و یا مداخله در فرآیندهای انتخاباتی دیگران صورت می پذیرد. بنابراین رسانه ها، فرهنگ، و سیستم های آموزشی را مورد تاثیر قرار می دهد. به عنوان روسیه با بهره بردن از اختلاف نظرها و خطوط گسل در امریکا و یا دمکراسی های اروپایی سعی کرده است آن جوامع را به قطب بندی غیر متعارف کشانده و نهادهای مستقل دمکراتیک آنها را تضعیف نماید. به همین دلیل بهترین تعریفی که می شود از این نوع قدرت بکار برد این است که آنرا به "رخنه، نفوذ، و تلاش برای از هم گسیختن" تعبیر نماییم.[[7]](#footnote-7) ازاینروی، از نقطه نظر کارکرد قدرت تیز با قدرت نرم مشابهت دارد. ولی از نظر ماهیت و اهداف با قدرت نرم عمیقا متفاوت است زیرا که به هیچ عنوان با نیتی برای جذب باورها و قلوب مردم و پیشبرد آزادی ها و ارزشهای دمکراتیک سازگاری ندارد.

در حالیکه سیاسی سازی هنجارهای حقوق بشر از ابزارهای پنهان دولتها در پیشبرد اهداف و منافع ملی آنان بوده است، سیاست قدرت این سیاسی سازی به بی طرفی سازی کشانده و سعی می کند نقش های فعال در سرنوشت جوامع را با ایجاد بدبینی و ایجاد یاس رو به خاموشی ببرد. نگاهی ساده به اخباری که در باره شرایط ایران در پاره ای از رسانه ها ملاحظه می شود، به خوبی این کارکرد سیاستهای قدرت تیز را به نمایش می گذارد. به عنوان مثال همین امروز(هفتم ماه می) سایت اینترنتی ایران، این عنوان را در روی صفحه اصلی خود قرار داد: "هم اکنون سیل خروشان مردم نیروهای امنیتی را در هم شکستند. سلاخی و قتل فجیع رئیس پلیس به دست معترضان". این عناوین به ظاهر جذاب هیچ رابطه و سنخیتی با محتوی خبری خود ندارد. و یا این خبر در سایت ایران دایلی "مردم خشمگین درب بیت رهبری را شکستند. سپاه و ارتش متحد شدند. خامنه ای به جزیره خصوصی منتقل شد"، و ده ها عنوان پر سر و صدای مشابه در شرایطی که جامعه ایرانی دارد آرام آرام خود را برای مراحل بالایی از روشنگری فکر و اندیشه آماده می سازد، نتیجه دیگری بجز سرد شدن از مطالعه صحیح اخبار و به انفعال کشاندن مردم ندارد. زیرکی شیطانی قدرت تیز برای به خموشی کشاندن، ایجاد یاس و نا امیدی، و زوال فضای سیاسی فعال در این نمونه ها بخوبی ملاحظه می شود. حال هرگاه این ملاحظات در متن سیاستهای روسی و یا چینی قرار داده شود، چهره قدرت تیز بهتر چهره خود را نشان می دهد. در حالیکه فضای فاقد مرز رسانه ای و انقلاب اطلاعاتی فرصت بی نظیری برای اطلاع رسانی دقیق بویژه برای برجسته تر ساختن صدای مردمان تحت ستم فراهم آورده است، مدل روسی مخدوش کردن افکار با هدف تضعیف فرآیندهای دمکراتیک، و کاهش فضای همپرسگی میان مردم، تنها راه را برای بقای بیشتر نظام های اقتدارگرا و تمامیت خواه هموار می سازد. دولت چین نیز با قراردادهای پنهان منطقه نفوذ اقتصادی و نیز آیینی خود را در سراسر جهان گسترده است. در حقیقت، در حالیکه شرایط جهانی شدن زمینه های مناسبی برای نظام های اقتدارگرا بوجود آورده است تا حضور خود را در پهنه جهانی نشان دهند، اینان از این موقعیت ممتاز نه برای اصلاح بنیادهای سیاسی خود و پیشبرد حقوق بشر، توسعه دمکراتیک، و رفاه مردم، بلکه برای توسعه نفوذ خود در بیرون از مرزها، تخریب دیگران، و یا حتی برافروختن نزاع های منطقه ای از طریق تشدید قطب بندی ها استفاده می کنند. این نزاع ها حتی ماهیت جنگ های نیابتی که از ویژگی های اصلی نظام دو قطبی بین المللی دوران جنگ سرد بود، به جنگهای شبکه ای از طریق باندهای مافیایی قاچاق و پول شویی تغییر داده است. بنابراین هرچند که پایان رقابتهای دوران جنگ سرد، و نیز شرایط جهانی شدن می تواند به بهبودی در شرایط اجتماعی و سیاسی مردم تحت ستم بینجامد، عملا دیده می شود که نظام های اقتدارگرا محکم تر سر جای خود ایستاده و روزگار مردم دربند تیره تر شده است به همین دلیل سیاستهای قدرت تیز باید با دقت مورد توجه ناظران سیاسی قرار گیرد.

**مدل چینی قدرت و دیپلماسی دام گذاری**

برای ایجاد سهولت در فهم ساز و کارها و نحوه اعمال سیاست های قدرت تیز، واکر در شهادت خود در مقابل کمیته دائمی اطلاعات امریکا اراده داد، شرح دقیقی از نمونه های اعمال قدرت تیز توسط روسیه و چین را توضیح داده است.[[8]](#footnote-8)

مقامات پکن از اهرم های اقتصادی به عنوان ابزاری برای وادار کردن دیگران به پذیرش قوانین مورد نظر چین استفاده کرده اند. رویکرد پکن به دنبال کاهش، خنثی سازی یا جلوگیری از هرگونه چالش در برابر معرفی رژیم از سوی خود بوده است. سرمایه گذاری های گسترده برای زمینه سازی نفوذ دائمی در کشورهایی که به سرمایه گذاری خارجی نیاز دارند، همانگونه که در ایران امروز شاهد آن هستیم، از نمونه های روشن اینگونه سیاستهای چینی است. از آنجاییکه چین موفق شده است با به اجرا گذاشتن الگوی دولت توسعه ای، و صد البته انکار ضرورت توسعه اجتماعی و سیاسی، چهره خود را به عنوان الگویی موفق به کشورهای اقتدار گرا نشان دهد، بطور طبیعی دیگر نظام های اقتدار گرا را به پیروی از الگوی خود ترغیب می کند. این در حالی است که در اینگونه کشورها پیشرفت اقتصادی موجبات نابرابری بیشتر و عمیقتری را فراهم آورده، و در نتیجه بلا هایی بنیان سوز مانند فساد گسترده و نظام وار توسط نظام حاکم و وابستگان انگلی آن ، فقر و انواع قاچاق، و پولشویی را نیز موجب شده است. مدل دولت توسعه عملا از چین حیطه های خود را فراتر برده و حتی کل جغرافیای نوظهور بریکز[[9]](#footnote-9) و نیز دولتهای ترکیه و مکزیک، و امثالهم را نیز به نوعی تبعیت از این مدل کشانده است.

موضوع انقلاب فرهنگی که در ابتدا تجربه آن در چین اتفاق افتاد و سپس در سال ١٩۸١ نیز گریبان مردم ایران را گرفت، و در نتیجه موجبات سرکوب اندیشه ها را فراهم آورد، می تواند در مدل سیاست قدرت تیز به نمایش در آورده شود. این جنبش سیاسی خشن حاکمیت-محور توانست زیر لوای پاکسازی ضربات سنگینی به بدنه دانشگاهی و فرهنگی کشور وارد سازد چرا که به سرعت توانست فضای بحث و گفتگو، اعتراض به جزمی گرایی، و مخالفت را مسدود و سرکوب نماید. واکر در گزارش خود در توضیح می دهد که امروزه، فراتر از مرزهای چین، اثرات فرساینده قدرت تیز به طور فزاینده ای در عرصه هایی مانند نشر، فرهنگ، دانشگاه، و رسانه ها مشهود است. یعنی دقیقا وارد حوزه هایی شده است که برای پیشبرد و چگونگی درک شهروندان جوامع دموکراتیک از جهان ضروری هستند. این درحالی است که مردم به گشایش فضای علمی، فرهنگی، و علمی اجتماعی برای بیان مکنونات و شرم مظالمی که بر آنها می رود نیاز دارند. ولی نظام سلطه طبق همان الگوی پاکسازی فرهنگی چینی سلطه بی چون و چرای خود را بر فضای سیاسی و ارتباطی می گسترد. این کنترل استبدادی، امکان ترویج روایت های مطلوب از دردهای جامعه را مسدود ساخته و گفتمان خشونت طلب تمامیت خواهی را پیچیده در جزم گرایی آیینی را جایگزین آن می سازد. در عصر جهانی شدن اطلاعات، چین گفتمانی را برنامه ریزی و اجرا می کند که از طریق نظامی متمرکز و از پیش تعیین شده شکل گرفته است.

تهدید و ارعاب در حوزه های فرهنگی از ابزارهای اعمال قدرت تیز توسط چین بوده اند. به گزارش واکر، در اوت سال ٢٠١٧ انتشارات دانشگاه کمبریج تقریباً سیصد مقاله را از وب سایت فصلنامه چین برداشت زیرا که اداره كل مطبوعات و انتشارات دولت جمهوری خلق چین تهدید كرد كه از این پس همه مجلات منتشر شده توسط دانشگاه آکسفورد در چین از دسترس خارج خواهد شد. ولی فشار جامعه مدنی آن موسسه انتشاراتی را مجبور ساخت در تصمیم خود تجدید نظر کند. به همین طریق موسسه انتشاراتی اسپرینگر در همان سال ٢٠١٧ نیز اعلام کرد که ناچار است تحت فشار دولت چین دسترسی به صدها مقاله در وب سایت چینی زبان خود را مسدود نماید. این امر ضربه ای سنگین به مخالفان دولت چین، فعالان حقوق بشر تایوانی و تبتی بود.[[10]](#footnote-10)

سرمایه گذاری در ایجاد شبکه های رسانه ای برای رشد اندیشه های متمرکز نظامی چینی بخش بزرگی از سیاستهای فرهنگی آن کشور را به نمایش می گذارد. به گزارش واکر، یکی از این حوزه های نفوذ آفریقا است. در آنجا، چین سرمایه گذاری عمده ای در زیرساخت های رسانه ای انجام داده و روشهای سانسور چینی را در مواردی که برای پکن حساس است، به کار گرفته می شوند. در سراسر آفریقای جنوب صحرا، ویرایش گران آفریقایی در لیست حقوق بگیران محلی چین هستند، و به همین دلیل کار آنها زیر نظر و همگام با سیاستهای چینی انجام می شود. دولت چین به روزنامه نگاران آفریقایی "آموزش" می دهد و به آنها برای بازدید از چین مزایایی را اعطا می کند. با این وجود آموزش واقعی روزنامه نگاری هدف دولت چین نیست. بلکه، تمرکز بر دستاوردهای چینی در حوزه فرهنگ و یادگیری شیوه های تهیه گزارش به سبک دیدگاه دولت چین قرار دارد. در حقیقت، این شیوه ها می توانند مدل حکمرانی چینی، الگوهای توسعه ای متمرکز، و مواضع بین المللی آن نظام را توجیه نمایند. به همین سان امریکای لاتین هم از جمله حیطه های نفوذ چین می باشد. شی جین پینگ رئیس جمهور چین گفته است که می خواهد ده هزار سیاستمدار، محقق و استاد دانشگاه، روزنامه نگار، مقامات، و دیپلمات سابق آمریکای لاتین را تا سال ٢٠٢٠ برای دعوت به بازدید از چین ترغیب نماید. نفوذ در آسیا نیز در پرتو همین سیاست گذاری تهاجمی "قدرت تیز" قابل توضیح است هرچند که اشکال آن ممکن است با افریقا و یا امریکای لاتین متفاوت باشد. به عنوان مثال، چین از یک مدل تولید مشترک انتقال پیام ها و استدلال های دوستانه به مخاطبان خارج از کشور استفاده می کند. به عنوان مثال کانال تلویزیونی اکتشاف قراردادی را با چین برای تولید سری تلویزیونی با عنوان "چین: در زمان حکمرانی شی" (رئیس جمهوری چین) برای میلیون ها بیننده در ٣٧ کشور آسیای منعقد کرده است. هرچند که اعلام شد که این برنامه برای تولید تلویزیونی مستقلی انجام می شود، اما چیزی بیش از توهم استقلال را نمی توان از آن استخراج کرد.[[11]](#footnote-11)

مناسب است بخش دیگری از همان الگوی توسعه چینی بر اساس مفهوم "قدرت تیز" را از گزارش واکر توضیح دهیم. تاسیس ده ها موسسه مطالعات آیین کنفوسیوس در سراسر جهان بخش دیگری از این مفهوم قدرت را نشان می دهد. این گونه موسسات به ظاهر ماهیتی علمی دانشگاهی دارند، ولی به دلیل عدم شفافیت فعالیت آنها در پردیس های دانشگاهی محل بحث هایی واقع شده اند. نکته پنهان در فعالیت اینگونه موسسات این است که آنها با آموزش زبان چینی و برقراری رویدادهای فرهنگی مانند نمایشگاه های فیلم، فضای بیطرفانه دانشگاهی را مخدوش می سازند بویژه اینکه اینگونه موسسات از طریق دولت چین سرمایه گذاری شده اند. برنامه های درسی و فرهنگی ارایه شده در این موسسات همه تحت کنترل آیینی (ایدئولوژیک) دولت چین بوده و مواضع آن کشور در خصوص موضوعاتی که به سختی می توانند در فرهنگ دمکراتیک توضیح داده شوند، را به گونه ای به افکار عمومی می قبولانند. شاید مقامات چینی و یا ناظران عادی اینگونه موسسات را مانند آلیانس فرانسه و با انجمن گوته پدیده هایی فرهنگی برای تبادل افکار و اندیشه ها تلقی نمایند، لیکن جوهره و ماهیت آیینی تعلیمات در موسسات چینی نمی تواند سنخیتی روشن با روح آزادی خواهی علمی و دانشگاهی داشته باشد. به گزارش واکر، ناظران عادی شاید توجه نداشته باشند که اساسنامه اینگونه موسسات می گوید که قوانین چینی بر همه فعالیتهای این موسسه ها جاری می باید باشد. علاوه براین هیچ نوع بحث و یا گفتگویی در باره تایوان و تبت نمی تواند در این موسسات مطرح شود.[[12]](#footnote-12)

سرمایه گذاری های چین در دیگر کشورها می تواند ابعادی دیگر از سیاست "قدرت تیز" را توضیح دهد. در رابطه با سرمایه گذاری های اخیر این کشور در ایران بطور طبیعی نگرانی هایی در میان وطن دوستان به وجود آمده است. نشانه هایی از اینگونه شیوه های نفوذ در سراسر جهان دیده می شود. طرح کمربند و جاده، موسوم به جاده ابریشم جدید، یکی از بلند پروازانه ترین پروژه های زیربنایی است که تاکنون به معرض اجرا در آمده است. به موجب این پروژه که از سال ٢٠١٣ به اجرا در آمد، دولت چین سرمایه گذاری های گسترده ای را در بیش از شصت کشور جهان در بر می گیرد. بخش عمده تحلیلگران و نظریه پردازان این پروژه را نشانه گسترش نگران کننده قدرت چین می دانند. هرچند که چینی ها این پروژه را گامی نوین برای مشارکت چین در توسعه بین الملل به حساب می آورند، این نگرانی وجود دارد که چین طرح دام گذاشتن برای دولتهای وام گیرنده باشد که قادر به بازپرداخت بدهی های خود نیستند.[[13]](#footnote-13)سری لانکا شاید یکی از روشنترین نشانه های این به دام افتادن در این سرمایه گذاری ها باشد. در عین حال، جیبوتی، قرقیزستان، لائوس، مالدیو، مغولستان، مونته نگرو، پاکستان، و تاجیکستان، از جمله کشورهایی هستند که بیش از نیمی از بدهی خارجی خود را به چین بدهکارند. به همین دلیل، این بعد سیاستها قدرت تیز به دیپلماسی به دام انداختن نیز مشهور شده است. به گزارش مرکز توسعه جهانی واشنگتن، شواهد روشنی وجود دارد که چین به کشورهای نیازمند و بسیار پر خطر وام می دهد و از آن به عنوان اهرمی برای اهداف غیر مرتبط با وام اصلی استفاده می کند.[[14]](#footnote-14) برای حل اختلافات سرمایه گذاری نیز دولت چین با تاسیس قیودی در قراردادها و ارجاع حل اختلاف به دادگاه های چینی، عملا توانسته است نفوذ خود را در این حوزه ها نیز توسعه بخشد.

**قدرت تیز و نقض حقوق بشر**

رابطه میان نفوذ فرهنگی، که با سرمایه گذاری های وسیعی همراه و پشتیبانی می شود، با نقض سازمان یافته حقوق بشر را می بایست مورد توجه قرار گیرد. در حقیقت چین تحرکات و دیپلماسی پنهان چند چهره ای را دنبال می کند که شناسایی آن به آسانی امکان پذیر نیست. ولی این حقیقت را در پشت همه آن طرح ها نمی توان نادیده گرفت که حضور چین به عنوان یکی از مخالفان اصلی حقوق بشر و ارزشهای دمکراتیک در کشورهای در حال توسعه، و یا دمکراسی های در حال ظهور، به استحکام مواضع مخالف دمکراسی کمک کرده است. در کشورهای درحال گذار به دمکراسی اروپای شرقی، چین با سبد سرمایه گذاری های پیچیده ای سعی کرده است فرآیند همگرایی این کشورها در فضای دمکراسی غربی را با چالش هایی مواجه سازد. به عنوان مثال با ابتکار ١ + ١۶ چین روابط دو جانبه ای را با کشورهای حوزه اروپای مرکزی و شرقی باز گشود تا بتواند از آن به عنوان اهرمی در تعاملات با اتحادیه اروپا نیز استفاده کند[[15]](#footnote-15). طبیعی است که در مناطقی مانند بالکان غربی که منافع نخبگان سیاسی محلی با پنهان کاری و عدم شفافیت گره خورده است، سرمایه گذاری های چینی حصار محکمی برای حفظ اقتدار آنها، و نقض آشکار حقوق بشر و اضمحلال نهادهای دمکراتیک، را بوجود می آورد. نفوذ اقتدار مرکزی و دولت محور چین بر اینگونه سرمایه گذاری ها، قواعد حقوق بین الملل و معاهدات بین المللی را نادیده می گیرد کما اینکه در خصوص سند همکاری اخیر میان ایران و چین، متن توافقات با دست بالای چین هرگز آشکار نشده است. این در حالی است که صدای مردم در مقابله با ایران فروشی سرکوب و راه های گشایش دمکراتیک نیز مسدود شده است.

در کشورهای دیگر نیز سرمایه گذاری های دام-محور چین بدون شفافیت و اطلاع مردم از محتوی و ماهیت قراردادها انجام شده است. نوع شکل گیری این قراردادها و سرمایه گذاری ها نشان می دهد که چین رابطه مستقیم با سران نظام های حاکم غیر دمکراتیک و نخبگان فرصت طلب را بر گشودن افقی شفاف ترجیح می دهد. این شیوه نفوذ زیر عنوان سرمایه گذاری و یا تعامل فرهنگی عملا تاثیرات غیر قابل فرساینده ای بر نهادهای دمکراتیک و سرکوب آزادی های اساسی مردم دارد. به عنوان مثال و به دنبال شرکت رئیس جمهور چین در اجلاس گروه ۲۰ در سال ۲۰۱۸ در بوئنس آیرس نفوذ چین شتاب بیشتری به خود گرفت. در جریان همین اجلاس چین با آرژانتین یکسال به همکاری پنج ساله دوجانبه امضا کرد. سپس رئیس جمهوری چین به پاناما سفر کرده و قراردادی را برای توسعه نفوذ خود با آن کشور منعقد نمود. حضور چین در جمهوری دومینیکن و نیز السالوادور به دنباله اینگونه طرح های توسعه نفوذ شکل گرفت. اکوادور نیز از نمونه های روشن نفوذ چین در امریکای جنوبی است. قرارداد سرمایه گذاری برای تامین تکنولوژی توسعه تاسیسات نظارت و کنترل توسط پلیس و نهادهای اطلاعاتی اکوادور از نمونه های روشنی است که از چشم ناظران دمکراتیک و مردم آن کشور پنهان مانده است.[[16]](#footnote-16)

وقتی السالوادور با رسمیت شناختن جمهوری خلق چین درسال ۲۰۱٨، دیپلماتیک خود را با این کشور برقرار ساخت، واقعیات این تغییر سیاسی از بازیگران اصلی دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی پنهان ماند تا اینکه پس مدتی توسط اعلامیه های رسمی اعلام شد. همین فضای همکاری دام-افکن با جمهوری دومینیکن نیز بطور مخفیانه برقرار شد در حالیکه نقض فاحش قانون اساسی این کشور بود. در مورد السالوادور، تلاش برای ایجاد یک منطقه ویژه اقتصادی که ۱۴ درصد از خاک کشور را در مناطق استراتژیک ساحلی موثر واقع شده و به شرکت های چینی امتیازات ترجیحی گسترده ای را اعطا کرد. حضور رئیس جمهور چپ گرای السالوادور به همران رهبران پاناما، دومینیکن، و کوبا در نمایشگاه شانگهای که منجر به توافقات گسترده ای شد، را نمی توان به آسانی گرفت. به همین دلیل هم بود که نخست وزیر ژاپن در جریان دیدار رئیس جمهوری السالوادر از توکیو به او هشدار داد که مواظب باشند به تله چینی ها نیفتند. تاسیس انستیتوی مطالعات کنفسیوس در دانشگاه السالوادور و کلاس های آموزش زبان چینی (ماندارین) به همراه بورسیه هایی که در اختیار این کشور قرار گرفت، همانا بخشی از همان دیپلماسی دام-افکن چین برای نه تنها این کشور بلکه دیگر کشورهای امریکای لاتین نیز می باشد. نقش دیپلماسی مردمی که در واقع چهره پنهان قدرت تیز را نشان می دهد از طریق توافقات فرهنگی، تولیدات سینمایی، و سریال های تلویزیونی نیز می بایستی به این حرکات با کشورهای امریکای لاتین اضافه شود.

وقتی به این موارد با دقت بیشتری توجه شود این واقعیت عیان می گردد که چین موضوع نفوذ را نه فقط در قالب قراردادهای سرمایه گذاری و اقتصادی، بلکه به اهدافی آیینی و سیاسی دنبال می کند. این اهداف چیزی بجز باوراندن نظام دولت-محور و مداخله گرایانه توسعه به عنوان الگویی برای دیگر کشورها و دور ساختن آنان از اندیشه های حقوق بشری و فردگرایانه نمی باشد. بی تردید نهاد های جامعه مدنی و سیاستگذاران مستقل نا گزیر هستند برای درک پیامدهای چگونگی تأثیر چنین توافقاتی تلاشهای بیشتری داشته و سعی کنند با ابعاد مفهوم قدرت تیز خود و جامعه را آگاه سازند.

1. Hard power [↑](#footnote-ref-1)
2. Soft power [↑](#footnote-ref-2)
3. Sharp power [↑](#footnote-ref-3)
4. Smart power [↑](#footnote-ref-4)
5. Machiavelli, N. (1532). *The Prince*. Chapter xviii. The Project Gutenberg eBook. [↑](#footnote-ref-5)
6. Walker, C. (2018). What is Sharp Power? *The Journal of Democracy*. July, Volume 29, Number 3 [↑](#footnote-ref-6)
7. P. 12 [↑](#footnote-ref-7)
8. # China’s Foreign and Sharp Power Strategy to Shape and Influence Democratic Institutions, May 16th, 2019.

   [↑](#footnote-ref-8)
9. BRICS is the acronym coined to associate five major emerging economies: Brazil, Russia, India, China, and South Africa. [↑](#footnote-ref-9)
10. همان منبع: گزارش دی پیش کمیته اطلاعات ذکر شده [↑](#footnote-ref-10)
11. همان منبع [↑](#footnote-ref-11)
12. همان منبع [↑](#footnote-ref-12)
13. Council on Foreign Affairs, January 28, 2020. [↑](#footnote-ref-13)
14. به گزارش گاردین با عنوان ابتکار جاده و کمربند چیست نگاه کنید What is China's Belt and Road Initiative? [↑](#footnote-ref-14)
15. Estonia, Latvia, Lithuania, Poland, Czech Republic, Slovakia, Hungary, Romania, Bulgaria, Croatia and Slovenia) and five aspiring EU member states from the Western Balkans (Serbia, Bosnia and Herzegovina, Montenegro, Albania and Macedonia [↑](#footnote-ref-15)
16. # Made in China, Exported to the World: The Surveillance State. New York Times, April 24, 2019

    [↑](#footnote-ref-16)